

باورانده (اگزینسانسیالیستی) ای که دارد، در برگیرنده‌ی خمیرمایه‌ی دید من از زن می‌باشد. این برداشت من در آن زمان بود.

آلیس - توضیح شما پیرامون این داده چیست که حتی با کسی همچون سارتر، که انسانی بسیار گیرا و با اندیشه‌هایی بسیار گیرا بود، شما به این دام نیفتادید که بخواهید "همسرش" شوید؟ که شما به موجودی وابسته، به "زنی در کنارش" کاهش نیافتید؟ از دید شما عامل برنده در زندگیتان چه بوده است که شما یکی از زنان کمیابی هستید که توانسته‌اند هستی مستقلی داشته باشند؟

سیمون - تأثیرگیری‌های شکل دهنده در همان سالهای آغازین زندگی من واقعیت که من همیشه زمینه‌ی کاری خویش را می‌خواستم! کشش من برای نوشتن برمی‌گردد به سالهای پیش از آشنایی با سارتر. اینکه من خواست‌هایی پندارگونه داشتم، رویاهایی بسیار جسورانه، آروزهایی که سالها پیش از آشنایی با سارتر شکل گرفته بودند. مفهوم زندگی برای من، پیش از هر چیز کارم بود، از این رو خوشبختی من در گروی این مفهوم می‌باشد.

آلیس - و رفتار سارتر چگونه بود؟

سیمون - او سرچشمه‌ای بزرگ برای دلگرمی من بود، پس از گرفتن دانشنامه‌ام، که برایش سخت کار کرده بودم، می‌خواستم کمی بیاسایم، که دوباره در خوشبختی، در عشق سارتر فرو روم. و او کسی بود که گفت، "ولی کاستور Castor چرا دیگر نمی‌اندیشی؟ چرا کار نمی‌کنی؟ من گمان می‌کردم که تو می‌خواهی بنویسی؟ تو که نمی‌خواهی کدبانو بشوی، می‌خواهی...؟"

او بسیار پافشاری داشت که من باید استقلال خویش را - بویژه با نوشتن - نگاه دارم.

آلیس - اگر سارتر با شما دیدار نمی‌داشت، شاید سر از یک پیوند زناشویی سنتی در می‌آورد... .

سیمون - سارتر و زناشویی؟ او از هر لحظه‌ی این کار بیزار بود! ولی این درست است که بسادگی می‌شد او را گیر انداخت. آن وجدان گناهکارش... .

ولی او همچنین می‌توانست به تندی از پیش بر بیاید .

آلیس - وجدان گناهکار، یا احساس گناه، در میان زنان بسیاری جا افتاده است . آیا این احساس را شما آزموده‌اید ؟

سیمون - نه، من هرگز وجدان گناهکار به آن مفهوم نداشتم . هنگامی که دوستی‌های دیرین با فرجامی ناخردانه پایان می‌یافت، البته وجدانم به درد می‌آمد و از این بابت بخود نمی‌بالیدم، ولی در کل همیشه آرامش وجدان داشتم، و گمان می‌کنم بیشتر وقت‌ها، این نا آگاهانه بود .

آلیس - از دید من شما در کل از آن دسته مرد می‌هستید که بخود نمی‌پردازند

سیمون - درست است . من بسیار وقت‌ها کند و گاهای خودم را در مورد خویش بکار نمی‌بندم . در سرشت من نیست .

آلیس - زمانی Jean Genet در مورد شما دو تن می‌گفت که در پیوندتان، شما مرد و سارتر زن بوده‌است . او بد رستی چه می‌خواست بگوید ؟

سیمون - او می‌کوشید بگوید که از دید او سارتر بسیار حساس‌تر از من بود، حساس آنگونه که همچون " زنانگی " feminine می‌تواند توصیف شود . رفتار من از سوی دیگر بیشتر تند و زننده بود . ولی این بیشتر بر می‌گردد به پیوند Genet با زنان، که او بد رستی بسیار دوستشان ندارد

آلیس - ولی کمی حقیقت در آن هست . همانگونه که خود می‌گویید زندگی شما می‌تواند یک زندگی یک استر (قاطر) را به نمایش بگذارد . انرژی، تیزهوشی، سرسختی و سرانجام برخورد سرد شما با مساله‌ها و انسانهایی که دوستشان ندارید، همه‌ی این ویژگی‌ها با دل‌نازکی متداول زنانه همخوانی ندارند از این رو شما انسانی بُرنده هستید .

سیمون - درست است .

آلیس - من زنان اندکی را می‌شناسم که برای پافشاری بر این حق که هوشمنددی و توانایی‌های منشی خویش را نشان بدهند، چنین بهایی را پرداخته‌اند . شرایط سخت زمینی بلاءت تحمیل چنین احساسی است که شما " یک مرد " هستید

و بدینگونه شهوت‌انگیزی "یک زن" را ندارید: آیا این سخن برای شما آشنا است؟

سیمون - نه .

آلیس - پس شما هرگز فریفته نشده‌اید که نقش "زنک" Little Women را

بازی کنید تا بتوانید ویژگی "مردانه" تان را جبران کرده باشید؟

سیمون - آه نه، هرگز . من کار می‌کردم و سارتر را داشتم . و چیزها هماهنگ با

هم‌رخ می‌دادند . من دنبالشان نبودم و بدینگونه هنگامی که من دلباخته‌ی

نلسون آلگرن Nelson Algren در آمریکا ، در یک کشور بیگانه شدم ، با همه‌ی

دلربایی و کیفیت‌هایی که او داشت ، ناچار نشدم نقش بازی کرده و یا حداقل

از منش خود رفتار نمایم . او هم دلباخته‌ی من بود .

آلیس - آیا خواست‌های اروتیک * erotic شما با احساس‌هایتان یکی

شده بودند؟

سیمون - آری چنین می‌اندیشم . برآستی من هرگز مردی را نخواستم مگر اینکه

کششی و وسوسه در کار می‌بود . همیشه کشش دیگری مرا بدان سوی می‌کشانید .

آلیس - بسیار آگاهانه

سیمون - آری . شاید گهگاهی پندار بافی‌های دیگری هم داشتم ولی

در جهان راستین ، هیچ مردی ، پیش از اینکه دوستی‌ای ریشم‌ای میانمان ریشه

بدواند ، مرا نوازش نکرده است .

آلیس - نه هیچ کشش جسمانی ناگهانی؟ آیا هیچ لحظه‌ی کوتاهی نبوده که

برای پاسخگویی به کشش جنسی با کسی به سر برده باشید؟

سیمون - آه نه ، هرگز . این در بست ، در بست با من بیگانه است . این شاید

تعصب باشد ، شاید بازتابی است از پرورش من . ولی بهر روی این مورد

هرگز برایم پیش نیامده است . نه حتا هنگامی که من هیچ پیوندی در پییش

نداشته و بدینگونه برای زمانی هیچ زندگی جنسی‌ای را دارا نبودم . باری من

هرگز در این اندیشه نبودم که تنها ، بیرون رفته و برای خود مردی بیابم

آلیس - آیا این خودداری ، "زنانه" است؟

سیمون - نمی دانم .

آلیس - هنگامی که شما پیرامون کشش جنسی سخن می گوئید ، تنها درباره ی مردان گفتگو می کنید . آیا هرگز برای پاسخگویی به کشش جنسی پیوندی با یک زن داشته اید ؟

سیمون - نه . البته من چندین دوستی بسیار ارزنده با زنان داشته ام ، چند پیوند بسیار نزدیک ، گاهی نزدیک به مفهوم جسمانی . ولی آنها هرگز شوری اروتیک erotic را در من برنیا نگیختند .
آلیس - چرا نه ؟

سیمون - شاید بیشتر بر می گردد به پرورش من که مرا مشروط کرده است . سرتاسر آموزش را می گویم ، نه تنها آنچه که به من در خانه آموختند ، بلکه همه ی خواندن ها و اثر گذاری هایی که همچون یک کودک مرا شکل دادند و در سویی نا همجنسگرا - بی heterosexuality به پیش راندند .

آلیس - دیدتان این است که شما هیچ گاه همجنسگرا نزیسته اید با آنکه - همجنسگرایی را در زمینه ی تئوریک می پذیرید - حتی در مورد خودتان ؟
سیمون - آری ، درست . ولی زنان برای پاسخگویی به کشش جنسی ، نمی بایند گرایش خود را تنها به مردان محدود کنند . و بهر روی ، من چنین می اندیشم که این روزها هر زنی اندکی . . . اندکی همجنسگرا است . این بس ساده است . چرا که زنان خواستنی تر از مردان هستند .
آلیس - چگونه ؟

سیمون - چرا که آنان زیباترند ، پوستشان نرم و نازکتر است . و بطور عام ایشان دلرباترند . این ویژگی ها در اصل در زناشویی های معمولی نقشه ی بنیادین را بازی می کند که زن سنگینتر ، زنده تر ، گیراتر ، سرگرم کننده تر و حتی روشن بین تر بچشم می آید .

آلیس - شاید گفته شود که آنچه شما می گوئید اندکی برتری خواهی جنسی - sexism را در بردارد . . .

سیمون - نه . ولی البته این برآمده از مشروط کردن های متفاوت ، و واقعیات

دو جنس است ۱۰ این روزها مردان اغلب این ویژگی‌های کم و بیش مسخره را دارند که سارتر هم درباره‌شان گله داشت ۰ آنها دوست دارند که برای مهم کردن خودشان تئوری بیافند ۰ ایشان بسیار نرمش ناپذیرند و شادابی و سرزندگی را بسیار کم دارند ۰

آلیس - درست است ۰ ولی زنان هم کژی‌های خویش را دارند ۰ تازه اینک - ایشان به این کژی‌ها نیز می‌بالند ۰ برای نمونه در آلمان، ولی نه تنها آنجا، ما با باززایی "زنانگی" روبرو هستیم که "زنانگی نوین" نامیده گشته و لسی براستی که سال است ۰ احساس بجای خرد، منش آرامش جوی "طبیعی" بجای خواست رزمیدن، رازوارگی و رازآمیز کردن مادر بودن همچون کنشی آفریننده در خود، نمایانده می‌گردد و غیره ۰ پیش از اینکه جنبش زنان آغاز گردد، شما باور فمینیسم نوین را دستور بندی کردید: در جنس دوم نوشتید، "هیچکس زن آفریده نمی‌شود، بلکه زن می‌گردد ۰" واکنش شما در برابر این برگشت برخی زنان به این اندیشه‌ی "سپهر زن" (ا "طبیعت زن") چیست؟

سیمون - دید من این است که این بازگشتی به بردسازی زنان است، پاک و ساده! پس از همه چیز، مادر بودن هنوز استادانه‌ترین روشی است که زنان را به برده دگرگون می‌سازد ۰ نمی‌گویم که هر زنی که مادر است خود بخود برده می‌باشد - می‌تواند شیوه‌های زندگی‌ای هم یافت شود که در آن مادر بودن به مفهوم بردگی نیست ۰ ولی این روزها داستان همان است که هست ۰ تا هنگام پایداری این اندیشه که گویا کار عمده‌ی زن بچه داشتن است، زنان خود را درگیر سیاست و تکنولوژی نکرده و افزون بر این، با برتری مردان به ستیز بر نخواهند خاست ۰ این تفسیر نوین از "مادر بودن" و "زنانگی" براستی کوششی است برای پرت کردن زنان به همان رده‌ای که پیشتر بودند ۰

آلیس - و این در هنگامه‌ی بحران اقتصادی در سرتاسر جهان خودنمایی می‌کند تا زنان را به خانه برگردانند ۰ پافشاری بر "کارکردهای زنانگی" ۰ تا از این رو محل کار زنان را به مردان بازگردانند ۰

سیمون - بد رستی ۰ چونکه بسختی می‌شود به زنان گفت که شستن دیگ رسالت

بزرگ آنان است؛ به ایشان یادآوری می‌شود که پرورش کودکان، پیشینه‌ی آسمانی‌شان می‌باشد. ولی آنگونه که کار این جهان به پیش می‌رود، بزرگ کردن بچه‌ها با شستن دیگ بسیاری چیزها مشترک دارد. بدینگونه زنان به نقش موجود وابسته، انسان طبقه‌ی دوم، واپس‌رانده می‌شوند.

الیس - پس آیا فمینیسم بگونه‌ای شکست خورده است؟

سیمون - من بر این اندیشه هستم که فمینیسم برآستی تاکنون در شمار اندکی از زنان رخنه کرده است. برخی پیکارها، زنان بسیاری را درگیر کرده است، مانند مبارزه برای بدست آوردن حق جنین‌اندازی (کورتاژ). ولی اکنون کنه، بخاطر بیگاری و بخاطر اینکه امتیازهای مردانه به باد حمله گرفته شده‌اند، فمینیسم همچون تهدیدی برای بسیاری از مردم دیده می‌شود، در برابر آن واکنشی پدید آمده است: آن‌الگویی که ریشه‌ای ژرف در بسیاری از زنان دارد، اکنون دوباره پیش کشیده می‌شود. بسیاری از زنان برآستی در روشنشان همان "زَنَک" مانده‌اند. . . . زنانگی ارزش‌آید ئولوژیک معینی را دوباره بدست آورده و کوشش‌هایی انجام می‌گیرد تا اینکه انگاره‌ی "زن معمولی" از نو پدید آید - زن همچون موجودی درجه دوم، فروتن و فرمانبر و غیره - نمایی که فمینیسم آنرا پاره کرده و بدور ریخته است. برای این نگاره، که فمینیسم آنرا مچاله کرده، چه اشک‌ها که ریخته نمی‌شود، و برای باززایی آن چه تلاش‌ها که انجام نمی‌گیرد.

الیس - چند پرسش برای شما که هستی باور (اگزیستانسیالیست) و مارکسیست هستید. در شرایط کنونی چه نشانی برای آزادی زنان وجود دارد؟ این روزها چشم‌انداز را برای عمل در کجا می‌بینید؟ و تنگناهایی که ما بناگزیر به آنها برخورد خواهیم کرد کجا هستند؟

چه راهی را زنان می‌توانند در پیش گیرند، ایشان برای در هم شکستن این چرخه‌ی نادرست "زنانگی"، چه استراتژی‌ای را می‌توانند بکار بندند؟ و آیا از دید شما، ما فمینیست‌ها تاکنون راه درست را دنبال کرده‌ایم؟

سیمون - گفتنش دشوار است. خوب است که تاکنون چیزی انجام گرفته است. و شرایط همه چیز است جز آنچه که دلخواه ما است. . . . ولی اینهم درست است

که از همان آغاز چیزهایی در این جنبش وجود داشته که بسیار خوب هم نبوده است. برای نمونه، برخی زنان بر نپذیرفتن در بست هر چیزی که رنگ و بسوی مردانه دارد پافشاری دارند آنها هیچ کاری را در پهنه‌ی مردان انجام نخواهند داد: نمی‌خواهند سازماندهی یا پیشه‌ای داشته باشند. همچنین کار آفریننده را نفی می‌کنند. من همیشه اندیشیده‌ام که باید بسادگی سیستم را که در دسترس مردان هست از ایشان گرفت و از آن بهره جست. من به شاخه شاخه شدن فمینیستها در سر راهشان آگاهم. آیا زنان باید بیشتر و بیشتر کار و پیشه بدست آورده و در این هماوردی به مردان بپیوندند؟ اگر چنین کنند، ایشان بی برو برگرد برخی از کیفیت‌های مردانه و همچنین برخی از نادرستی‌ها-ایشان را فرامی‌گیرند. یا در برابر، زنان باید در بست از همه‌ی این چیزها پرهیز کنند؟ در مورد نخست، آنها قدرت بیشتری را بدست خواهند آورد، در مورد دوم ایشان ناتوانتر خواهند شد. البته اگر زنان تنها قدرت بگیرند تا آنرا به همان روش مردان بکار ببندند... در نتیجه دگرگونی در جامعه پیش نخواهد آمد. از دید من، کارکرد راستین فمینیسم تنها می‌تواند دگرگون‌سازی جامعه به‌مراه دگرگون‌سازی جایگاه زنان در جامعه باشد.

الیس - شما در اصل راه نخست را برگزیده‌اید، شما "همچون مرد" نوشته‌هایتان آفریننده، روش زندگی‌تان آزاد بوده و همزمان برای دگرگونی جهان کوشیده‌اید.

سیمون - آری. برای ما ورم که یک استراتژی، دو سویه از این دست، تنها راه است. ما نباید از برگرفتن کیفیت‌هایی که مردانه نامیده می‌شوند، پرهیز کنیم، زیرا بیشتر آنها کیفیت‌های انسانی است و ما زنان بخشی از انسانها می‌باشیم. ما باید برای به مخاطره افکندن خویش، به‌نگام درگیر شدن در این جهان مردانه، که بسادگی در پهنه‌ای گسترده، خود این جهان است، آماده باشیم. البته در این راه هر زنی با این خطر روبرو است که به زنان دیگر و به فمینیسم پشت کند. او خواهد اندیشید که گریخته است... ولی از سوی دیگر با این خطر روبروست که در "زنانگی" فرو نشاندگی گردد.

آلیس - بهر روی، زنان، چه در این راه و چه در راه دیگر، با کنار گذاشته شدن و پست و خوار گردیدن آشنایی دارند.

سیمون - شانس خوب من این است که من هرگز خوار نگردیده‌ام. من از زن بودن رنج نبرده‌ام. حتا گرچه - همچنان که در پیشگفتار دفتر دوم جنس دوم گفتم بسیار رنج می‌برم هنگامی که مردم چیزهایی همانند این به من می‌گویند: "چونکه زن هستید، چنین می‌اندیشید." من همیشه پاسخ داده‌ام: "راستی مسخره است، آیا چونکه شما مرد هستید، چنین دیدی دارید؟"

آلیس - در زمینه‌ی ادبیات در میان فمینیست‌ها، گفتگویی همانند در گرفته است: آیا باید از کیفیت پشتیبانی نمود یا از کمیت؟ به سخنی دیگر، آیا باید به همان سختی‌ای که به مردان برخورد می‌شود، نوشته‌های زنان را ارزیابی و نقد کرد؟ یا از اینکه زنان سرگرم کار نویسندگی هستند باید خوشنود بود و از نقد چشم‌پوشی کرد؟

سیمون - دید من این است که باید توانایی گفتن این را داشت: "نه، نه، این بدرد نمی‌خورد! چیز دیگری بنویس، بکوش کار بهتری انجام دهی. ارزیابی‌ها و معیارهای بالاتری برای خودت داشته باش! زن بودن بسنده نیست." دست‌نوشته‌های بسیاری از زنان را دریافت می‌کنم که امید به چاپ شدنشان دارند. اینان زنان خانه‌دار هستند، چهل یا پنجاه ساله، بی‌هیچ پیشه‌ای، کودکانشان بزرگ شده و از خانه رفتنند و اکنون آنها وقت پیدا کرده‌اند. بدینگونه بسیاری از زنان به نوشتن روی می‌آورند. بسیاری از نوشته‌هایشان، داستان زندگی خودشان است، کم و بیش همیشه با یک دوران کودکی ناخوشایند و آنها بر این اندیشه هستند که اینگونه نوشته‌ها گیر است... نوشتن می‌تواند برای رشد اندیشه هر کس ارزنده باشد، ولی بدان معنا نیست که هر نوشته‌ای باید چاپ گردد. نه، من بر این دید هستم که زنان باید از خودشان چشم‌داشت والایی داشته باشند.

آلیس - آیا جنبش نوین زنان هیچ تأثیر مستقیمی بر شما داشته است؟

سیمون - این جنبش مرا نسبت به ریزه‌کاری‌ها، نسبت به این ستم و برتری‌خواهی

جنسی sexism روزانه - که کمتر در جایی نگاشته می‌گردد، چرا که -
 "بهنجار" (normal) (نرمال) می‌نماید - حساستر کرده است. اکنون
 چند سالی است که گروهی از فمینیست‌ها در پاریس نوشته‌هایی را برای نشریه‌ی
Les Temps Modernes نوشته و ویرایش می‌کنند. ایشان به راه و روشی که
 "ستم جنسی روزانه" را می‌فهمند اشاره دارند، که خود من پیشتر هرگز بدانها
 آگاهی نداشته بودم.

آلیس - پیش از پیدایش جنبش زنان، شما هنگامی که درباره‌ی زنان سخن بر
 زبان می‌راندید، می‌گفتید "آنها"، اکنون می‌گویید "ما".
سیمون - "ما" به معنای "ما فمینیست‌ها" است: نه "ما زنان".

آلیس - این روزها هر جوری شده هر کسی خود را به "فمینیسم" می‌چسباند.
 برای نمونه، جنبش رو به گسترش صلح در آلمان باختری، زنان را زیر پرچم
 فمینیستی فرا می‌خواند، با شعارهایی مانند: "مادرانی که می‌خواهند
 جهان فردا را برای کودکان برهانند"، "زنان، این بردوش کشند گمان
 زندگی"، و حتا "زنان در سرشت خود، از مردان، آرامش‌جو ترند" - که به
 این مفهوم است که گوییم مردان در سرشت خود "ویرانگر" می‌باشند.

سیمون - چرند است! چرند، زیرا که زنان صلح را از برای انسانیت می‌جویند
 و نه بخاطر زنان. اینگونه دلیل‌ها بی پایه است، چونکه اگر زنان "مادرند"،
 در حقیقت مردان نیز پدر می‌باشند. گذشته از اینها، زنان پیش از اندازه به
 توانایی‌هایشان در زمینه پرورش کودک، به "غریزه مادری" شان چسبیدند - که
 ایشان را به افسانه‌ی نقش زن واپس می‌راند. پرورش کودک نباید بر همه چیز پیشی
 گیرد. زنان صلح‌جو باید همانند مردان برزمند: آنگونه که نسل‌های آینده
 دیگر ناچار نشوند جان‌شان را در جنگ از دست بدهند. ولی این، ربطی به
 مادر بودن ندارد. بکوتاهی، زنان باید یکبار و برای همیشه این بحث
 "زنانگی" را بدور بیا فکنند، گرچه مردان ایشان را دلگرم می‌سازند که بنام
 زنانگی یا غریزه مادری‌شان برای صلح برزمند. این تنها یک نیرنگ مردانه
 است که زن را تا جایی پایین می‌آورد که با زهدان (رحم) اش یکی

انگاشته گردد . و بهرروی زنانی هم که به قدرت می‌رسند ، متفاوت از مردان رفتار نمی‌کنند . شما می‌توانید این را در مورد ایندیرا گاندی ، گولداماییر ، بانو تاجر و دیگران ببینید . ایشان بیگمان بناگاه فرشته‌ی آزادی نمی‌شوند .

آلیس - پس از جنگ جهانی دوم ، شما و سارتر اندیشمندان رزمنده‌ای گشتید . برای سالیان سال ، درگیر شدن شما در سیاست هم پرشور بود و هم پویند . هر دوی شما هم چیزها نوشتید و هم دست به کنش مستقیم زدید تا دادگری و آزادی بیشتری را به این جهان بیاورید . شما امید هایی به انقلاب در شوروی ، چین و کوبا داشتید - و شما ناچار گشتید که ناامیدی را بپذیرید .

تبهکاری هایی که فرانسویان در روند جنگ الجزایر انجام دادند ، خود شما را افسرده ساخت . شما در یادهایتان به آن اشاره می‌کنید . شما آشکارا و بیباکانه برای استعمارزدایی رزمیدید و از " شرم فرانسوی بودن " چه شبها که گریستید . اکنون چه ؟ نسبت به دگرگونی های سیاسی کنونی در جهان بطور عام و در فرانسه بویژه ، چه دیدی دارید ؟ آیا شما به میتران رأی دادید ؟

سیمون - آری ، چرا که این به معنای دادگری کمی بیشتری بود . مالیات های بیشتر برای پولداران و افزایش حق بازنشستگی برای تنگستان و برخی پیشرفت ها هم در زمینه فمینیستی وجود داشته است .

گذشته از هرچیز ، ایوت رودی Yvette Roudy * * * وزیر با بودجهی ویژه خود شاست . او پول بسیاری به زنان ، و برآستی به فمینیستها داده تا کانون های پژوهشی و روزنامه برپا دارند . او پیکاری را برای جنین اندازی (کورتاژ) و برای پیشگیری از زایمان ، اگر زنی خود بخواهد ، آغاز نموده است . برآستی در آینده حتی این احتمال وجود خواهد داشت که بخشش بهداری و بهزیستی هزینهی انداختن جنین را نیز بپردازند ولی بهرروی . . . این را از ته دل می‌گویم ، من چشمداشت هیچ معجزه‌ای را نداشتم . هیچ کس معجزه نمی‌کند ، دستکم نه در این اوج اقتصاد در هم ریخته . . . با این حکومت سوسیالیست باید برخوردی بسیار آگاهانه و دقیق نمود . راهی دیگر نیست مگر اینکه انقلابی را پیش روی ببینیم و هم اکنون جای پرسشی در این زمینه نیست . من

خود مخالف انقلابی خشونت بار و خونین هستم - دستکم هم اکنون، بهای آن گراف خواهد بود . پس بد بختانه دگرگون سازی کامل سامانه‌ی این جهان در دستور کار همین دم نیست . از دید من ، در شرایط کنونی فرانسه ، تنها می‌توان از برخی بهبود سازی ها اندک در جامعه ، آنچنانکه هست ، سخن راند .

آلیس - در این گفتگو ما بسیار درباره‌ی مردان سخن گفتیم ، اکنون دوست دارم با یادآوری زنی که بیش از ده سال در زندگی شما سهم بوده ، این گفتگو را پایان دهم - کسی که از مرگ سارتر بدین سوی ، اکنون شاید گرامی ترین کس شماست ، سیلوی لوبون ، سی و نه ساله ، آموزگار فلسفه . چنین دوستی های بزرگی میان زنان نامتداول است .

سیمون - چندان مطمئن نیستم . در جایی که عشق رنگ می‌بازد ، بسیاری دوستی ها میان زنان تاب آورده و بر جای می‌ماند دوستی های راستین میان مردان بسیار نامتداولند - دید من این است . بیشتر برای اینکه زنان زیاد تر با یکدیگر سخن می‌گویند .

پاریس ۱۹۸۲

برگردان : ب. افسانه

زیر نویس ها

* اروتیک erotic همه‌ی احساس ها ، شور و برانگیزی ها ، نگرانی ها ، هیجان ها که عشق و دلباختگی می‌تواند برای کسی پدید آورد : مهرورزانسه ، مهرانگی - (زیر نویس از مترجم فارسی)

* * وزیر وزارت زنان ، که در آن هنگام تازه بر پا شده بود .

- * جنس و موم - برگردان قاسم صنعوی - انتشارات توس
- * خاخرات (بهمراه مراسم وداع) - برگردان قاسم صنعوی - انتشارات توس
- * نقد حکمت عامیانه - برگردان مصطفی رحیمی
- * همه می‌میرند - برگردان مهدی سبحانی

THE WORKS OF SIMONE DE BEAUVOIR

The reader should refer to Claude Francis and Fernande Gontier, *Les écrits de Simone de Beauvoir*, 1979, Paris: Gallimard, for a comprehensive bibliography and collection of assorted articles and hitherto unpublished texts.

The French title is given first, with details of the first edition; it is followed by the date of the first English translation (if one exists) and details of the edition referred to (if different) in this text. All English versions, except for *She Came to Stay*, *The Blood of Others* and the de Sade essay, have male translators.

- L'Invitée*, 1943, Paris: Gallimard. *She Came to Stay* (1949), 1975, London: Fontana
- Pyrrhus et Cinéas*, 1944, Paris: Gallimard
- Le sang des autres*, 1945, Paris: Gallimard. *The Blood of Others*, 1948, London: Secker & Warburg
- Les bouches inutiles*, 1945, Paris: Gallimard. Play in two acts. First performed 31 October 1945, Théâtre des Carrefours, Paris
- Tous les hommes sont mortels*, 1946, Paris: Gallimard. *All Men Are Mortal*, 1955, Cleveland: World Publishing Company
- Pour une morale de l'ambiguïté*, 1947, Paris: Gallimard. *The Ethics of Ambiguity*, 1948, New York: Philosophical Library
- L'Amérique au jour le jour*, 1948, Paris: Morihien. *America Day by Day*, 1957, London: Duckworth
- L'existentialisme et la sagesse des nations*, 1948, Paris: Nagel
- Le deuxième sexe*, 2 vols. I *Les faits et les mythes*. II *L'expérience vécue*, 1949, Paris: Gallimard. *The Second Sex* (1953). Transl. Parshley, H. M., 1972, Harmondsworth: Penguin

- 'Must We Burn Sade?' ('Faut-il brûler Sade?'), 1953, London: Peter Nevill
- Les mandarins*, 1954, Paris: Gallimard. 52nd Prix Goncourt. *The Mandarins* (1957) 1960, London: Fontana/Collins
- Privautés*, 1955, Paris: Gallimard
- La longue marche*, 1957, Paris: Gallimard. *The Long March*, 1958, London: André Deutsch/Weidenfeld & Nicolson
- Mémoires d'une jeune fille rangée*, 1958, Paris: Gallimard. *Memoirs of a Dutiful Daughter* (1959), 1963, Harmondsworth: Penguin
- La force de l'âge*, 1960, Paris: Gallimard. *The Prime of Life* (1962), 1965, Harmondsworth: Penguin
- Brigitte Bardot and the Lolita Syndrome*, 1960, London: André Deutsch/Weidenfeld & Nicolson
- Preface to Gisèle Halimi, 1962, *Djamila Boupacha*, Paris: Gallimard. Transl. (1962) 1963, London: Four Square Books
- La force des choses*, 1963, Paris: Gallimard. *Force of Circumstance* (1965), 1968, Harmondsworth: Penguin
- Une mort très douce*, 1964, Paris: Gallimard. *A Very Easy Death* (1966), 1969, Harmondsworth: Penguin
- Que peut la littérature?*, 1965. A symposium, ed. by Buin, Y., Paris: Union Générale d'Éditeurs: Collection L'Inédit. Contributions by Simone de Beauvoir, et al
- Les belles images*, 1966, Paris: Gallimard. *Les belles images*, 1969, London: Fontana/Collins
- La femme rompue*, followed by *Monologue* and *L'âge de discrétion*, 1968, Paris: Gallimard. *The Woman Destroyed*, followed by *The Monologue* and *The Age of Discretion* (1969), 1971, London: Fontana/Collins
- La vieillesse*, 1970, Paris: Gallimard. *Old Age*, 1972, London: André Deutsch/Weidenfeld & Nicolson
- Tout compte fait*, 1972, Paris: Gallimard. *All Said and Done* (1974), 1977, Harmondsworth: Penguin
- 'Queries to Jean-Paul Sartre' (1975), 1976, *New Left Review* (May-June), 97: 71-80
- Quand prime le spirituel* (written 1935-6), 1979, Paris: Gallimard. *When Things of the Spirit Come First*, 1982, London: André Deutsch/Weidenfeld & Nicolson
- Preface to *Le sexisme ordinaire* (1973), 1979 (Introducing the first appearance of the feminist section in *Les temps modernes* from which the articles in the book were taken), Paris: Editions du Seuil
- La cérémonie des adieux* suivi des *Entretiens avec Jean-Paul Sartre* 1981, Paris: Gallimard. *Adieux - Farewell to Sartre*, 1984, London: Deutsch
- Lettres au Castor et à quelques autres*, by Sartre, J. P., ed. de Beauvoir, 1983 (Tome I: 1926-1939. Tome II: 1940-1963). Paris: Gallimard

REFERENCES

Works devoted wholly or in part to Simone de Beauvoir

For a comprehensive bibliography of works on Simone de Beauvoir up to 1970, see Cayton, C., 1973. *La nature chez Simone de Beauvoir*, Paris: Gallimard
 For a comprehensive bibliography after 1970, excluding most theses and book reviews, see Whitmarsh, A., 1981, *Simone de Beauvoir and the Limits of Commitment*, Cambridge: Cambridge University Press

- Abel, E., (ed.), *Writing and Sexual Difference*, Brighton, Harvester Press, 1982
- Ardener, E., 'Belief and the Problem of Women' in *Perceiving Women*, (ed.) Ardener, S., London, Dent, (1972) 1975
- Ardener, S., 'Sexual Insult and Female Militancy' in *Perceiving Women*, (ed.) Ardener, S., London, Dent, 1975
- Ascher, C., *Simone de Beauvoir: A Life of Freedom*, Brighton, Harvester Press, 1981
- Astruc, A. and Contat, M., *Sartre by Himself* (text of film), New York, Urizen Books, 1978
- Barrett, M., *Women's Oppression Today*, London, Verso, 1980
- Barrett, M., 'Rethinking Women's Oppression: A Reply to Brenner and Ramas', *New Left Review*, 146, 1984
- Bieber, K., *Simone de Beauvoir*, Boston, Twayne Publishers, 1979
- Bloch, J., and Bloch, M., 'Women and the Dialectics of Nature in Eighteenth-century Thought' in McCormack, C., and Strathern, M., (below), 1980
- Bourdieu, P., *Outline of a Theory of Practice*, Cambridge, Cambridge University Press, 1977

Brenner, J. and Ramas, M., 'Rethinking Women's Oppression', *New Left Review*, 144, 1984

Breton, A., *Nadja*, Paris, Gallimard, (1926) 1947

Breton, A., *L'Amour Fou*, Paris, Gallimard, 1937

Brown, B., and Adams, P., 'The Feminine Body and Feminist Politics', *M/F*, Number 3, 1979

Brownstein, R., *Becoming a Heroine*, Harmondsworth, Penguin, 1984

Carby, H., 'White Woman Listen! Black Feminism and the boundaries of sisterhood', in *The Empire Strikes Back*, Centre for Contemporary Cultural Studies, University of Birmingham, London, Hutchinson, 1982

Carter, A., 'The Intellectual's Darby and Joan', *New Society*, 28 January 1982: 156-7

Chodorow, N., *The Reproduction of Mothering*, Berkeley, University of California, 1978

Craig, C., 'Simone de Beauvoir's *The Second Sex* in the light of the Hegelian Master-Slave Dialectic and Sartrean Existentialism', PhD, University of Edinburgh, 1979

Dayan, J. and Ribowska, M., *Simone de Beauvoir* (text of film), Paris, Gallimard, 1978

Delmar, R., 'Looking Again at Engels's *Origin of the Family, Private Property and the State* in *The Rights and Wrongs of Women*, (eds) Mitchell, J., and Oakley, A., Harmondsworth, Penguin, 1976

Dworkin, A., *Pornography: Men Possessing Women*, London, The Women's Press, 1981

Ellmann, M., *Thinking about Women*, London, Virago, (1968) 1979

Evans, M., 'Views of Women and Men in the Work of Simone de Beauvoir', *Women's Studies International Quarterly*, 3: 395-404, 1980

Evans, M., *Simone de Beauvoir. A Feminist Mandarín*, Tavistock, London, 1985

Firestone, S., *The Dialectic of Sex*, London, Paladin, (1970) 1972

Francis, C., and Gontier, S., *Simone de Beauvoir*, Paris, Perrin, 1985

Friedan, B., *The Feminine Mystique*, Harmondsworth, Penguin (1963) 1965

Gardiner, J., 'On Female Identity and Writing by Women' in Abel, E., (above), 1982

Gerassi, J., 'Simone de Beauvoir. The Second Sex 25 years later', *Society*, 79-80, 1976 (Jan-Feb)

Gilbert, S., and Gubar, S., (eds), *The Madwoman in the Attic*, Newhaven and London, Yale University Press, 1979

Hardwick, E., 'The Subjection of Women', *Partisan Review* 20 (3), May-June: 321-31, 1953

- Harris, O., 'Complementarity and Conflict: An Andean view of women and men' in *Sex and age as principles of social differentiation*, (ed.) La Fontaine, J., London, Academic Press, 1978
- Harris, O., 'The Power of Signs: gender, culture and the wild in the Bolivian Andes', in McCormack, C., and Strathern, M., (below), 1980
- Heilbrun, C., *Reinventing Womanhood*, London, Gollancz, 1979
- Irigaray, L., 'Women's Exile', interview with Luce Irigaray, *MIF*, No. 1: 62-76, 1977
- Jacobus, M., (ed.), *Women Writing and Writing about Women*, London, Croom Helm, 1979
- Jacobus, M., 'The Question of Language: Men of Maxims and The Mill on the Floss', in Abel, E., (above), 1982
- Jardine, A., 'Interview with Simone de Beauvoir', *Signs* 5(2): 224-36, 1979
- Jelinek, E., (ed.), *Women's Autobiography*, Bloomington and London, Indiana University Press, 1980
- Keefe, T., *Simone de Beauvoir: a study of her writings*, London, Harrap, 1984
- Kristeva, J., *About Chinese women*, London, Marion Boyars, 1977
- La Fontaine, J., 'Ritualisation of Women's Life-Crises in Bugisu' in La Fontaine, J., (ed.), *The Interpretation of Ritual*, London, Tavistock, 1972
- Lessing, D., *The Golden Notebook*, London, Granada, (1962) 1971 (New Preface)
- McCormack, C. and Strathern, M., *Nature, Culture and Gender*, Cambridge, Cambridge University Press, 1980
- Millett, K., *Sexual Politics*, London, Virago, (1970) 1977
- Mitchell, J., *Woman's Estate*, Harmondsworth, Penguin, 1971
- Mitchell, J., *Psychoanalysis and Feminism*, Harmondsworth, Allen Lane, 1974
- Mitchell, J., *Women: The Longest Revolution*, London, Virago, 1984
- Moers, E., *Literary Women*, London, The Women's Press, (1977) 1978
- Moi, T., 'Jealousy and Sexual Difference', *Feminist Review* 11: 53-68, 1982
- Oakley, A., *Taking it Like a Woman*, London, Cape, 1984
- Okely, J., 'The Spectre of Feminism', *The Messenger* (4): 4-5, 1963
- Okely, J., 'The Self and Scientism', *Journal of Anthropology Society of Oxford (JASO)*, Trinity term, 1975a
- Okely, J., 'Gypsy Women: Models in Conflict' in *Perceiving Women* (ed.) Ardener, S., London, Dent, 1975b
- Okely, J., 'Privileged, Schooled and Finished: Boarding Education for Girls' in *Defining Females*, (ed.) Ardener, S., London, Croom Helm, 1978
- Okely, J., *The Traveller-Gypsies*, Cambridge, Cambridge University Press, 1983
- Okely, J., 'Sexuality and Biology in *The Second Sex*', paper given to the Social Anthropology Inter-Collegiate Seminar, London University, 1984
- Ortner, S., 'Is Female to Male as Nature is to Culture?' in *Woman, Culture and Society*, (eds) Rosaldo, M. and Lamphere, L. Stanford, Stanford University Press, 1974
- Pocock, D., 'The Idea of a Personal Anthropology', paper presented to the Decennial Conference of the Association of Social Anthropologists, Oxford, 1973
- Rich, A., 'Compulsory Heterosexuality and Lesbian Existence', *Signs* 5, 1980
- Rich, A., *Of Woman Born*, London, Virago, (1977) 1979
- Rowbotham, S., *Woman's Consciousness, Man's World*, Harmondsworth, Penguin 1973
- Sacks, K., 'Engels Revisited: Women, the organisation of production, and private property' in *Woman, Culture and Society*, (eds) Rosaldo, M., and Lamphere, L., Stanford, Stanford University Press, 1974
- Sartre, J. P., *La nausée (Nausea)*, Paris, Gallimard, 1938
- Sartre, J. P., *L'Être et le néant (Being and Nothingness)*, Paris, Gallimard, 1943
- Sartre, J. P., *Les Mots (Words)*, Paris, Gallimard, 1964
- Sartre, J. P., *Lettres au Castor et à quelques autres*, (ed.) de Beauvoir, Paris, Gallimard, 1983
- Sartre, J. P., *War Diaries*, London, Verso, (1983) 1984
- Sayers, J., *Biological Politics*, London, Tavistock, 1982
- Schwarzer, A., *Simone de Beauvoir Today: Conversations 1972-1982*, London, Chatto & Windus/The Hogarth Press, 1984
- Sciama, L., 'The Problem of Privacy in Mediterranean Anthropology' in *Women and Space*, (ed.) Ardener, S., London, Croom Helm, 1981
- Showalter, E., *A Literature of Their Own*, London, Virago, (1977) 1978
- Simons, M., 'The Silencing of Simone de Beauvoir: guess what's missing from *The Second Sex*', *Women's Studies International Forum* 6 (5): 559-64, 1983
- Spacks, P. M., *The Female Imagination*, New York, Avon, (1972) 1975
- Spark, M., *The Prime of Miss Jean Brodie*, Harmondsworth, Penguin (1961) 1965
- Stubbs, P., *Women and Fiction: Feminism and the Novel 1880-1920*, Brighton, Harvester Press, 1979
- Walters, M., 'The Rights and Wrongs of Women: Mary Wollstonecraft,

- Harriet Martineau and Simone de Beauvoir' in *The Rights and Wrongs of Women*, (eds) Oakley, A., and Mitchell, J., Harmondsworth, Penguin, 1976
- Walters, M., *The Nude Male*, Harmondsworth, Penguin, 1979
- Whitmarsh, A., *Simone de Beauvoir and the Limits of Commitment*, Cambridge, Cambridge University Press, 1981
- Wilson, E., *Only Halfway to Paradise: Women in Post-War Britain 1945-1968*, London, Tavistock, 1980
- Woolf, V., *A Room of One's Own*, London, The Hogarth Press, 1929

فهرست نوشته های سیمون د بووار و دیگر نوشته ها درباره ی خود او از کتاب
 "سیمون د بووار" نوشته ی Judith Okely (انتشارات Virago ۱۹۸۶)
 گرفته شده است .

گفتگوهای آیس شو ارتسسر

با

سیمون دوبووار

مواداران سازمان وحدت کمونیستی در اروپا :

I.S.G
POSTFACH 31.11
3400 GÖTTINGEN
WEST GERMANY

I.S.F.
BOX 88
172 23 SUNDBYBERG
SWEDEN